

جایگاه سنت از دیدگاه شیعه

پیروان مکتب اهل بیت (شیعه امامیه)، طبق فرموده خدای متعال: «ما اتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه ...



مقاله ارائه شده به سمینار بین المللی «جایگاه سنت نبوی در اسلام»، استانبول، ترکیه.

پیروان مکتب اهل بیت (شیعه امامیه)، طبق فرموده خدای متعال: «ما اتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا» [2]، دستورات اسلام (اعم از عقائد و احکام) را پس از کتاب خدا، از سنت رسول اکرم - ص - دریافت می کنند، و روشن ترین دلیل بر این معنا آن است که فقهای امامیه از قرن چهارم هجری در استنباط احکام، بعد از کتاب خدا به سنت رسول او رجوع نموده اند و در این زمینه به کتب چهارگانه حدیث: کافی، از شیخ کلینی (م: 329 ه*)، من لا یحضره الفقیه از شیخ صدوق (م: 381 ه*)، استنبصار و تهذیب از شیخ طوسی (م: 460 ه*)، مراجعه می کنند و مؤلفان این کتب، روایات را از اصول گرفته اند، و اصل [3]، در اصطلاح محدثان مکتب اهل بیت، عبارت است از تالیفی که مؤلف اصلی، روایات متن آن را مستقیماً از اهل بیت و یا از کسی شنیده باشد که او مستقیماً آنها را از امام فرا گرفته است؛ و ائمه اهل بیت تصریح کرده اند که آنچه روایت می کنند و یا در آن فتوا می دهند، از سخنان رسول خدا - ص - است.

امام ابو عبدالله صادق (ع) به پرسش فردی که از او مسأله ای پرسید، همین گونه پاسخ داد؛ آن شخص پرسید: اگر چنین و چنان شود به نظر شما درباره آن چه باید گفت؟

حضرت فرمود: آرام باش؛ آنچه که من به تو پاسخ می دهم، از سخنان رسول خدا - ص - است و ما با «چه باید گفت» کاری نداریم [4].

و در «بصائر الدرجات» آمده است: هرگاه به تو پاسخی دهم، از رسول خدا - ص - است و ما از پیش خود چیزی نمی گوئیم [5].

مجلسی می گوید: آنگاه که سؤال کننده از حضرت خواست «دیدگاه خود را که باطن و اجتهاد برمی گزینی برایم بازگو نما»، امام (ع) وی را از این ظن نهی فرمود، و برای وی روشن ساخت که آنان جز با قطع و یقین و یا آنچه که از سیدالمرسلین - ص - به آنان رسیده است، مطلبی نمی گویند [6].

و نیز در بصائر الدرجات از سماعه نقل شده که گفت: به ابوالحسن (ع) عرض کردم: هر چه را که می فرماید در کتاب خدا و سنت نبی اوست، یا از پیش خود می گوئی؟ حضرت فرمود: بلکه هر چه را می گوئیم در کتاب خدا و سنت نبی او - ص - است [7].

و به سندش آن را از ابی عبدالله الصادق (ع) نقل کرده که: اگر ما از پیش خود و از سر هوا و هوس برای مردم فتوا دهیم، در زمره هلاک شونندگانیم، ولی این گفته ها از رسول خدا - ص - است.

سرچشمه دانشی است که هر یک از ما آن را از دیگری به ارث می بریم. و همان گونه که مردم زر و سیم خود را نهان می سازند، ما آن [علوم] را ذخیره می کنیم [8]. مانند این روایت به سه سند از امام باقر (ع) در این کتاب آمده است [9]. و مؤلف، به سند خود از ابی جعفر امام باقر (ع) روایت کرده که فرمود: ما اگر از پیش خود سخن بگوئیم، مانند کسانی که قبل از ما به گمراهی کشیده شدند گمراه خواهیم شد؛ ولی ما با حجتی از ناحیه پروردگار خود سخن می گوئیم که آن را برای پیامبرش تبیین کرده، و پیامبر آن را برای ما روشن ساخته است [10].

و به سند خود آن را از امام جعفر صادق (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: حجتی است از ناحیه پروردگاران که آن را برای پیامبر خود تبیین نموده، و پیامبرش آن را برای ما روشن ساخته است. اگر چنین نبود، ما هم مانند این مردم بودیم.

و نیز به سند خود آن را از ابی عبدالله الصادق (ع) آورده است که فرمود: به خدا سوگند ما با هوا و هوس و از پیش خود چیزی نقل نمی کنیم و جز آنچه را که پروردگاران فرموده است نمی گوئیم. [این علوم] اصولی است نزد ما که آن را ذخیره می کنیم همانگونه که این مردم زر و سیم خویش را نهان می سازند [11].

سخنان ائمه (ع) به جدشان رسول خدا (ص) استناد دارد در احادیث قبلی، ائمه (ع) تصریح کرده اند که از پیش خود سخن نمی گویند، بلکه از رسول خدا - ص - روایت می کنند. برخی روایاتی را که ائمه (ع) در آنها سخنان خود را به جدشان رسول اکرم - ص - نسبت داده اند، ذیلاً یادآور می شویم: در بصائر الدرجات و وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی (م: 1104) و غیر آن دو، به پنج سند، از ابی عبدالله امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: خداوند، حلال و حرام و تأویل و تفسیر را به رسول خود - ص - آموخت، و رسول خدا - ص - کلیه علم خویش را به علی [ع] یاد داد [12].

و به سند خود از ابی عبدالله (ع) آورده است که حضرت فرمود: خدای متعال، قرآن و چیزی غیر از آن را به رسول خود - ص - آموخت و آنچه را که خداوند به رسولش آموخت، آن حضرت آنها را به علی (ع) یاد داد [13].

در همین کتاب به سند خود از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) نقل کرده است که فرمود: هرگاه از رسول خدا - ص - پرسشی داشتیم، به من پاسخ می داد، و اگر پرسشهایم پایان می یافت او با من شروع به سخن می کرد. هیچ آیه ای در شب و روز و آسمان و زمین درباره دنیا و آخرت و بهشت و دوزخ، و در دشت و کوه و تاریکی و روشنایی بر او نازل نگشت مگر اینکه آن را برایم قرائت کرد و بر من املاء نمود و من با دست خود آن را نگاهشتم، و تأویل و تفسیر و محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من آموخت و به من یاد داد که چگونه و کجا و درباره چه کسی تا روز قیامت نازل شده است. و برایم از خدا خواست که به من فهم و قدرت حفظ عنایت کند، و من هیچ آیه ای از کتاب خدا را و اینکه بر چه کسی نازل شده فراموش نکردم، مگر اینکه رسول خدا - ص - آن را بر من املاء فرمود [14].

و در بصائر الدرجات آمده است که راوی از زید بن علی نقل می کند که برای ما گفت: «امیرالمؤمنین (ع) فرمود: نه آسودم، و نه رسول خدا - ص - عهد و پیمانی از من گرفت تا اینکه آنچه را جبرئیل در آن روز از حلال یا حرام یا سنت یا امر یا نهی نازل کرده بود، از رسول خدا - ص - آموختم و دانستم درباره چه و چه کسی نازل گشته است». بیرون رفتیم و معتزله به ما برخوردند، این قضیه را بر ایشان بیان کردیم؛ گفتند: این ماجرای شگفت آوری است! چگونه این کار ممکن است؟ در حالی که یکی از آن دو از دیگری غایب است، چگونه آن را می داند؟ می گوید: به زید مراجعه کردیم و او را در جریان پاسخ معتزله قرار دادیم. وی گفت: تعداد روزهایی که [علی (ع) غایب بود، بر رسول خدا - ص - حفظ و رعایت می شد و آنگاه که یکدیگر را دیدار می کردند، رسول خدا - ص - بدو می فرمود: «ای علی! در فلان روز، فلان آیه و در فلان روز، فلان آیه نازل شد»، تا آخرین روز که به هم می رسید... و ما این پاسخ زید را به اطلاع آنها رساندیم [15].

احادیث سه گانه ای که ذیلاً از طبقات ابن سعد می آید، مؤید حدیث گذشته است:

1 - از محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب نقل کرده است که گفت: به علی [ع] گفته شد: چگونه شما بیش از دیگر اصحاب رسول خدا - ص - حدیث نقل می کنی؟! حضرت فرمود: هر گاه از رسول خدا - ص - می پرسیدم، وی مرا آگاه می ساخت و آنگاه که ساکت می شدم، او با من آغاز سخن می کرد.

2 - از سلیمان احمسی از پدرش نقل کرده که گفت: علی (ع) فرمود: به خدا سوگند هیچ آیه ای نازل نگشت، مگر اینکه من دانستم درباره چه و چه کسی و در کجا نازل شده است؛ پروردگارم به من دلی با ادراک و زبانی گویا و روان بخشیده است.

3 - از ابی طفیل نقل نموده است که علی [ع] گفت: درباره کتاب خدا از من پرسش نمایید، زیرا آیه ای نیست مگر اینکه من می دانم در شب نازل شده یا در روز، در دشت فرود آمده و یا در کوهسار [16].

و نیز سه روایت در سنن نسایی و ابن ماجه و مسند احمد، مؤید گفته ماست، و لفظ از نسایی است:

1 - از عبدالله نجی نقل شده که گفت: علی (ع) فرمود: «من نسبت به رسول خدا - ص - جایگاهی داشتم که هیچ یک از مردم از آن برخوردار نبودند؛ هر سحرگاه بر او وارد می شدم، و می گفتم: السلام علیک یا نبی الله! اگر حضرت تنحنح می کرد، نزد خانواده ام برمی گشتم، و گرنه بر آن حضرت وارد می شدم».

2 - علی (ع) فرمود: «در اوقاتی خاص، بر رسول خدا - ص - وارد می شدم. هرگاه نزد او می آمدم اجازه می گرفتم، اگر حضرت در حال نماز بود، تنحنح می کرد، و اگر از نماز فارغ شده بود، به من اجازه ورود می داد».

3 - و نیز فرمود: «من دو زمان ورود بر رسول خدا داشتم، یکی شب هنگام و یکی در روز، و هر گاه شبانگاه خدمت آن حضرت می رسیدم، برایم تنحنح می کرد» [17].

برخی از روایاتی را که درباره دریافت علوم علی (ع) از رسول خدا - ص - وارد شده بود، پیشتر از نظر شما گذراندم. از این پس، احادیثی می آید که بیانگر این است که ائمه اهل بیت (ع) علوم خود را از پدرشان امام علی (ع) می گرفتند، و این کار به دستور رسول خدا - ص - انجام می پذیرفت.

دستور پیامبر اکرم به علی (ع) مبنی بر نگارش برای دیگر ائمه (ع) در «امالی» شیخ صدوق و «بصائر الدرجات» و «بتایبع الموده» آمده (و لفظ از امالی) است که احمد بن محمد بن علی الباقر از پدرانش علیهم السلام نقل می کند: رسول خدا - ص - به علی (ع) فرمود: «آنچه را به تو املاء می کنم، یادداشت کن»

عرض کرد: ای پیامبر خدا! مگر بیم فراموشی بر من داری؟ حضرت فرمود: «به فراموشی تو بیمناک نیستم؛ چه اینکه من از خدا خواستم تا نگاهدار تو از فراموشی باشد، ولی برای شریکانت یادداشت نما».

می گوید عرض کردم: ای پیامبر خدا! شریکانم کیانند؟ فرمود: «پیشوایانی که از فرزندان تو هستند...» [18].

و علی (ع) در سخنان خود در «مسکن» (که منطقه ای است) به این معنا اشاره کرده است، چنانکه ابو اراکه آن را روایت کرده و گفته است در «مسکن» همراه علی (ع) بودیم و بر سر این گفتگو می کردیم که علی (ع) شمشیر رسول خدا - ص - را به ارث برده است، و برخی می گفتند استر حضرت را به ارث برده، و بعضی قائل بودند که صحیفه و نوشتاری را در قبضه شمشیر حضرت، به ارث برده است، تا آنکه علی (ع) بیرون آمد و ما هنوز درباره وی گفتگو می کردیم. آن حضرت فرمود: به خدا سوگند اگر توان داشته باشم و به من رخصت داده شود، آنقدر با شما سخن می گویم که سالی بگذرد و یک حرف را تکرار نکرده باشم، و به خدا سوگند، نزد من صحف بسیاری وجود دارد، که میراث رسول خدا - ص - و اهل بیت اوست [19].

نام کتاب علی (ع)

در بصائر الدرجات و کافی به سندشان از اباعبدالله (ع) نقل شده (و لفظ از بصائر) است که حضرت فرمود:

به خدا سوگند نزد ما چیزی است که [با وجود آن] به هیچ کس نیازی نداریم و مردم به ما نیازمندند. پیش ما کتابی است به املاک رسول خدا - ص - که علی (ع) آن را با دستخط خود به نگارش درآورده و صحیفه ای است که طول آن هفتاد ذراع است، و هر حلال و حرامی در آن وجود دارد [20].

و ائمه اهل بیت کتاب علی را که رسول خدا - ص - در آن، احکام را بر او املا فرموده است، «الجامعه» نامیده اند. چنانکه در شش روایت در کافی و وافی و بصائر الدرجات از اباعبدالله الصادق (ع) وارد شده است که خلاصه آن چنین است: «الجامعه» نزد ما است؛ صحیفه ای که دارای هفتاد ذراع از ذراع رسول خدا - ص - است، و آن را به زبان خویش املا فرموده و علی (ع) آن را با دستخط خویش به نگارش درآورده است. هر حلال و حرام و هر چه که مردم بدان نیاز دارند حتی عوض اندک خراشیدگی، در آن وجود دارد [21].

و در روایتی، آن حضرت فرمود: در گستره ای از جرم، مانند ران شتر دو کوهان، حکم هر چه مردم بدان نیاز دارند، در آن وجود دارد. هیچ قضیه ای نیست مگر اینکه در آن هست، حتی عوض اندک خراشیدگی [22].

در روایتی دیگر است که فرمود: «الجامعه» برای هیچ کس سخنی باقی نگذاشته است. علم حلال و حرام در آن است. طرفداران قیاس به واسطه قیاس، در پی علم و دانش برآمدند، ولی جز دوری [از آن] چیزی نصیبشان نشد، زیرا دین خدا به وسیله قیاس دست یافتنی نیست [23].

ائمه شیعه، امام علی و امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر (ع) چگونه کتب علم را دست به دست گردانده اند؟

در بصائر الدرجات به سند خود از ابی عبدالله امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: کتب [علم] نزد علی (ع) بود و آنگاه که رهسپار عراق گردید، آن کتب را به ام سلمه سپرد، و زمانی که علی (ع) به شهادت رسید آن کتب، نزد امام حسن و پس از او نزد امام حسین، و بعد از امام حسین، نزد علی بن حسین و سپس نزد پدرم امام باقر بود [24].

امام علی بن حسین (ع)

در «مناقب» ابن شهر آشوب و «بحار» به سندشان از ابوجعفر، امام باقر (ع) آورده اند که: زمانی که حسین (ع) متوجه عراق شد، وصیت [خود] و آن کتب و دیگر چیزها را به ام سلمه همسر پیامبر - ص - سپرد و بدو فرمود: «هر گاه بزرگترین فرزندانم نزدت آمد، آنچه را که به تو سپردم به او تحویل ده» و آنگاه که حسین (ع) به شهادت رسید، علی بن حسین نزد ام سلمه آمد، و او آنچه را که امام حسین - ع بدو سپرده بود، به آن حضرت داد [25].

مانند این حدیث در کافی نیز آمده است [26].

امام محمد باقر (ع)

در کافی و إعلام الوری و بصائر الدرجات و بحار منقول است (و لفظ از کافی است) که عیسی بن عبدالله از پدرش از جدش نقل کرد و گفت: علی بن حسین (ع) در حالی که وی در بستر شهادت قرار داشت و گرد او جمع شده بودند، متوجه فرزندش شد و سپس رو به فرزندش (محمد بن علی) نمود و فرمود:

«ای محمد! این صندوق را به خانه ات ببر» و آنگاه فرمود - یعنی علی بن حسین - : «ولی در این صندوق، دینار و درهمی وجود ندارد، بلکه سرشار از علم است» [27].

و در بصائر الدرجات، و «بحار» از عیسی بن عبدالله بن عمر، از جعفر بن محمد الصادق (ع) منقول است که فرمود: قبل از آنکه علی بن حسین (ع) به شهادت برسد، صندوقی را که نزدش بود، بیرون آورد و فرمود: «ای محمد، این صندوق را بردار» گفتند: سهم ما را از صندوق بده، حضرت [باقر (ع)] فرمود: «به خدا سوگند برای شما

چیزی در آن نیست. اگر در آن چیزی برای شما وجود داشت، آن را به من نمی داد»، و در آن صندوق، سلاح و کتب رسول خدا - ص - بود[28].

امام جعفر صادق (ع)

در کافی و بصائر الدرجات از حمران نقل شده که گفت: درباره آنچه مردم می گویند صحیفه ای مَهر شده به ام سلمه سپرده شد، از حضرت ابوجعفر (ع) سؤال کردم، فرمود: «هنگامی که رسول خدا - ص - رحلت کرد: علی (ع) علم و دانش و سلاح او و آنچه را که آنجا بود به ارث برد. سپس به امام حسن (ع) و پس از او به امام حسین (ع) رسید، و آنگاه که ما بیم کشته شدن و نابودی داشتیم آنها را به ام سلمه سپرد، و بعد از آن علی بن حسین (ع) آنها را دریافت کرد».

عرض کردم: «آری، و سپس به پدرت رسید و آنگاه به خودت منتهی شد و به شما رسید». فرمود: «آری»[29].

و از عمر بن اَبان منقول است که گفت: از امام صادق (ع) درباره مطلبی که مردم می گویند (صحیفه ای مَهر شده به ام سلمه سپرده شد)، پرسیدم حضرت فرمود: «آنگاه که رسول خدا - ص - دنیا را وداع گفت، علی (ع) علم و دانش و سلاح آن حضرت و آنچه را که آنجا وجود داشت به ارث برد، و سپس به امام حسن (ع) و پس از او به امام حسین (ع) رسید».

عرض کردم: و آنگاه به علی بن حسین (ع) رسید و بعد از او به پسرش و سپس به شما منتهی شد؟ فرمود: «آری»[30].

امام موسی بن جعفر (ع)

در بحار از حماد صانع نقل شده که گفت از مفضل بن عمر شنیدم که: از امام صادق (ع) پرسش می نمودم که ابوالحسن موسی - امام کاظم (ع) سر رسید. امام صادق (ع) به من (مفضل) فرمود: آیا اگر به صاحب کتاب علی بنگری شادمان خواهی شد؟ عرض کردم: چه [افتخاری از این بزرگتر؟ حضرت فرمود: این شخص [امام کاظم (ع)]، صاحب کتاب علی (ع) است ... [حدیث را در مآخذش بنگرید][31].

امام علی بن موسی الرضا (ع)

از علی بن یقطین منقول است که گفت: ابوالحسن، امام کاظم (ع) به من فرمود: «ای علی! این شخص [امام رضا]، داناترین فرزند من است و کتب خویش را به وی هدیه کرده ام، (و با دست خود به فرزندش - امام رضا (ع) اشاره کرد).

و در روایتی دیگر از ابن یقطین آمده است که: شنیدم می فرمود: «فرزندم علی، سرور فرزندانم است، و کتب خود را بدو هدیه کردم»[32].

رجوع ائمه (ع) به «الجامعه»

امام علی بن الحسین (ع)

نخستین فردی که سراغ داریم مستقیماً از کتاب «جامعه» علی (ع) روایت کرده، امام علی بن حسین (ع) است، چنانکه در کافی و من لایحضره الفقیه و تهذیب و معانی الاخبار و وسائل آمده است و لفظ [حدیث] از کافی است: از اَبان منقول است که از علی بن حسین (ع) درباره مردی که وصیت به چیزی (شیئی) از مالش نموده سؤال شد، حضرت فرمود: «شیء، در کتاب علی (ع) یک ششم است»[33].

امام باقر (ع)

بعد از امام علی بن حسین، امام باقر (ع) از «جامعه» روایت کرده است. در خصال و عقاب الاعمال و وسائل از ابوجعفر، امام باقر (ع) منقول است که فرمود: در کتاب علی (ع) سه ویژگی و خصلت یاد شده است که صاحب آنها هرگز از دنیا نمی رود مگر اینکه نتیجه بد آنها را خواهد دید: ظلم و ستم، قطع ارتباط خویشاوندی، سوگند دروغ که به واسطه آن، خدا را به مبارزه می طلبد[34].

همچنین امام باقر از کتاب علی (ع) درباره گرفتن مال فرزند و پدر، و نزدیکی با کنیزک فرزند، روایت کرده است[35]. و در حکم نُهان ساختن عیب زن هنگام ازدواجش[36]، و سوگند دروغ[37]، و در بیان حکم مُحرمی که شکار کرده فرمود: «در کتاب امیرالمؤمنین است»[38].

و می فرماید: «در کتاب علی، بیان وجوب حُسن ظن به خدا و حُسن خُلق[39]، و حکم بریدن زبان شخص لال[40]، و حکم کسی که زمینی را آباد کند و سپس آن را رها سازد[41]، و اثر نپرداختن زکات[42] و دیه دندانها[43]، را ملاحظه کردیم».

یعقوب بن میثم تمار، غلام آزاد شده علی بن حسین (ع)، بر امام باقر [ابی جعفر (ع)] وارد شد و به حضرت عرض کرد: من در کتاب پدرم دیدم که علی (ع) به پدرم فرمود: «ای میثم! دوست آل محمد - ص - را دوست بدار...» تا اینکه فرمود: «از رسول خدا - ص - شنیدم که می فرمود...» [حدیث را در مآخذش بنگرید].

ابو جعفر (ع) فرمود: «این مطلب نزد ما به همین گونه در کتاب علی (ع) است»[44].

و امام صادق (ع) از پدرش روایت کرده است که فرمود: «در کتاب علی (ع) خواندم که رسول خدا - ص - پیمانی میان مهاجرین و انصار و کسانی که از اهل مدینه بدانان می پیوستند، نگاشت...» [حدیث را در مآخذش بخوانید][45].

امام صادق (ع)

امام ابو عبدالله الصادق درباره بیان ثبوت ماه به رؤیت هلال[46] و بیان وقت فضیلت ظهر[47] و در بیان حکم به جا آوردن نماز جمعه با مخالفین خود[48] و حکم نیم خورده گریه[49]، و حکم مُحرم اگر از دنیا رفت، سه حدیث[50]، و درباره پوشیدن طیلسان[51] دکمه دار برای مُحرم، دو حدیث[52]، و درباره کفاره زدن قطات (همان کلنگ یا مرغ سنگخوار) دو حدیث[53]، و در کفاره تخم قطات سه حدیث[54]، و درباره شوط اضافه در طواف[55]، و درباره عمره مفرده[56] و تعداد گناهان بزرگ، دو حدیث[57]، و درباره انواع ماهیهایی که خوردن گوشت آنها حرام است، شش حدیث[58] از «جامعه» علی (ع) روایت فرموده است.

آن دسته از یاران ائمه که کتاب علی (ع) را دیده اند

1 - از ابو بصیر منقول است که گفت: ابو جعفر، امام باقر (ع) صحیفه ای را به من نشان داد که در آن حلال و حرام و میراث وجود داشت. عرض کردم: این چیست؟ فرمود: این، املاک رسول خدا - ص - و دستخط علی (ع) است.

عرض کردم: آیا پوسیده نمی شود؟ فرمود: چه چیز آن را پوسیده کند؟

گفتم: آیا فرسوده نمی گردد؟ فرمود: چه چیز آن را فرسوده گرداند؟ [و افزود]: این، «جامعه» [و یا از «جامعه» است][59].

2 - از محمد بن مسلم به دو سند روایت شده که گفت: ابو جعفر (ع) چیزی از کتاب علی (ع) را برایم خواند که در آن [این مطالب] بود: «شما را از [خوردن] جری نوعی ماهی حرام) و زمیر (ماهی آبنوس) و مار ماهی و طافی (ماهی یی که در آب بمیرد و روی آب بیاید) و طحال (اسپرز) نهی می کنم».

وی می گوید عرض کردم: ای فرزند رسول خدا - ص - یرحکم الله! ما، ماهی بدون فلس می آوریم.

حضرت فرمود: «از ماهی فلس دار استفاده کن و از خوردن ماهی بدون فلس خودداری کن». قبلاً به شش حدیث با سندهای متعدد از امام صادق (ع) اشاره شد که در هر یک از آنها همین حکم را از کتاب علی (ع) روایت کرده بود که منابع آن را تحت عنوان «انواع ماهی که خوردن آن حرام است»[60] آوردیم.

- 3 - در همین منبع از ابو بصیر از ابو جعفر (ع) نقل شده است. ابو بصیر گفت: نزد وی [ابو جعفر باقر (ع)] بودم. «جامعه» را خواست، و در آن نگریست و این [مطلب] در آن وجود داشت: «زنی که بمیرد و غیر از شوهرش وارثی نداشته باشد، همه اموال، مربوط به شوهر است» [61].
- 4 - و از عبدالملک بن اعین منقول است که گفت: ابو جعفر (ع) بخشی از کتب علی (ع) را به من نشان داد... [بنگرید] [62].
- 5 - و از جمله در بصائر الدرجات از عبدالملک نقل شده که گفت: ابو جعفر (ع) کتاب علی را درخواست کرد، جعفر (ع) آن را برایش آورد. مانند ران مرد، پیچیده شده بود، و در آن... [حدیث را بنگرید] [63].
- 6 - در کافی و تهذیب از محمد بن مسلم منقول است که گفت: به صحیفه ای نگریستم که در آن می نگردم... [حدیث را بنگرید].
- 7 - و در روایتی محمد بن مسلم می گوید: ابوعبدالله (ع) صحیفه میراث را گشود. نخستین چیزی که در آن یافتیم، [میراث] پسر برادر و جدّ بود... [بنگرید] [64]. به نظر می رسد که محمد بن مسلم پس از این پرسش و پاسخ، مطالب زیادی درباره میراث دریافت نموده باشد، مانند آنچه که از او در کافی، و من لا یحضره الفقیه و تهذیب، روایت شده است.
- 8 - محمد بن مسلم می گوید: ابو جعفر (ع) صحیفه میراث را که به املاک رسول خدا - ص - و دستخط علی (ع) بود برایم خواند، در آن [این موضوع را] یافتیم: «مردی که از دنیا برود و دختر و مادری از خود باقی بگذارد، دخترش نصف اموال را می برد... [حدیث طولانی است]» [65].
- بنابر آنچه که در روایات بسیاری وارد شده و برخی از آنها را یادآور شدیم، اهل بیت (ع) در گفته های خود، به آنچه که جدشان رسول خدا - ص - فرموده بود، استناد می کردند. هم او که: «لا ینطق عن الهوی ان هو الاّ وحی یوحی» [نجم / 4].
- علامه سید مرتضی عسکری / مترجم: عباس جلالی
شیعه شناسی (فرقه های شیعی)